فصلنامه پژوهش‌های پولی- بانکی
سال هشتم، شماره ۲۴، تابستان ۱۳۹۴
صفحات ۱۶۷-۱۹۰

استقلال بانک مرکزی در ایران: تحلیل نظری و تجربی

احمد جعفری صمیمی [*] **کاوه درخشانی درآبی** [†]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۳/۳۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۴/۱۳

چکیده

با توجه به اهمیت استقلال بانک مرکزی به عنوان یکی از راهکارهای نهادی کنترل تورم، هدف این پژوهش بررسی روند استقلال بانک مرکزی در ایران و شناخت عوامل مؤثر بر آن است. این پژوهش دارای دو رویکرد جدید نسبت به موضوع استقلال بانک مرکزی است؛ نخست اینکه استقلال بانک مرکزی به صورت پویا مورد بررسی قرار گرفته شده است، و دوم اینکه با استفاده از شاخص‌های متفاوت ابعاد گوناگون استقلال بانک مرکزی مورد بررسی قرار گرفته است. از اینرو برای بررسی شرایط حاکم بر بانک مرکزی و محاسبه درجه استقلال بانک مرکزی ایران از شاخص‌های معرفی شده توسط Grilli et al. (1991) ، Cukierman et al. (1992)، Mathew (2006) و Dumiter (2009) و قوانین پولی و بانکی مصوب سال‌های ۱۳۳۹ و ۱۳۵۱ و سایر قوانین تأثیرگذار بر استقلال بانک مرکزی نظیر قوانین توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور در دوره زمانی ۱۳۳۹ تا ۱۳۹۱ استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که استقلال بانک مرکزی ایران در دوره مورد بررسی روند نزولی داشته است. همچنین نتایج حاکی از تأثیر قوانین توسعه‌ای به ویژه قوانین توسعه بعد از انقلاب اسلامی بر استقلال بانک مرکزی بوده است.

واژه‌های کلیدی: شاخص استقلال، شورای پول و اعتبار، بانک مرکزی ایران
طبقه‌بندی JEL: D86، E58، F45

[*] استاد گروه اقتصاد، دانشکده علوم اقتصادی و اداری دانشگاه مازندران، بابلسر؛ jafarisa@umz.ac.ir
[†] استادیار گروه اقتصاد، دانشکده علوم اقتصادی و اداری دانشگاه لرستان، لرستان؛
derakhshani.k@lu.ac.ir (نویسنده مسئول)

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.26453355.1394.8.24.4.0]

۱ مقدمه

دامنه وسیع تأثیرگذاری و اثرپذیری نرخ رشد اقتصادی و تورم، این دو متغیر را به شاخص‌های کلیدی در اقتصاد کلان برای ارزیابی عملکرد اقتصادی تبدیل کرده است. در یک رویکرد نظری نرخ تورم می‌تواند بر سطح رفاه اقتصادی خانوار، توزیع درآمد، نرخ بیکاری، حجم معاملات در بازار دارایی‌ها، نرخ ارز، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و ... تأثیرگذار باشد. به نظر می‌رسد که موضوع تورم، بیشتر از آن که مربوط به وجود یا عدم وجود باشد، به شدت و میزان آن بستگی دارد.

تا قبل از فروپاشی برتن وودز نرخ ارز به عنوان یک لنگر اسمی مانع افزایش تورم می‌شد، از این‌رو بعد از فروپاشی برتون وودز در سال ۱۹۷۳ تورم در سطح جهان افزایش یافت. برای جلوگیری از این افزایش تورم چندین پیشنهاد مطرح شد. یکی از اولین پیشنهادات توسط میلتون فریدمن ارائه شد. فریدمن پیشنهاد کرد به منظور ثبات سطح قیمت‌ها باید بانک مرکزی مجاز باشد سیاست عرضه ثابت پول را که به صورت سالیانه اعلام می‌گردد به کار گیرد. ولی تعهد به چنین قاعده‌ای نمی‌تواند یک استراتژی بهینه پولی باشد، زیرا باعث می‌شود بانک مرکزی نتواند در برابر تکانه‌های منفی مخصوصاً تکانه‌های طرف عرضه انعطاف‌پذیر باشد (راگاف[1]، ۱۹۸۵).

یکی دیگر از پیشنهادهایی که برای کنترل ثبات سطح قیمت‌ها ارائه شد بر پایه وجود یک بانک مرکزی مستقل است. از دهه ۱۹۸۰ ایده وجود بانک مرکزی مستقل برای ثبات سطح قیمت‌ها طرفدارانی پیدا کرد. بخشی از دلایل گسترش ایده استقلال بانک مرکزی به موفقیت بانک مرکزی آلمان (یکی از مستقل‌ترین بانک‌های مرکزی دنیا) در دست‌یابی به یک نرخ تورم نسبتاً پایین برای چندین دهه برمی‌گردد. در خلال سال‌های ۱۹۹۰-۱۹۷۰ متوسط نرخ تورم در جمهوری فدرال آلمان برابر ۳/۸ درصد بود که در میان اقتصادهای بزرگ پایین‌ترین نرخ تورم بوده است (کوکرمن[2]، ۲۰۰۶).

عوامل دیگری در گسترش ایده استقلال بانک مرکزی تأثیرگذار بوده‌اند. در یک تقسیم‌بندی کلی این عوامل به ادبیات نظری و یافته‌های تجربی تقسیم می‌شوند. استقلال بانک مرکزی از ادبیات نظری گسترده‌ای برخوردار است که از دهه ۱۹۷۰ رشد کرد. از این

[1] Rogoff
[2] Cukierman

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.26453355.1394.8.24.4.0]

میان می‌توان به مطالعات راگاف (۱۹۸۵)، کیدلند و پرسکات[1] (۱۹۷۷)، بارو و گوردون[2] (۱۹۸۳)، آل‌سینا و گریلی[3] (۱۹۹۲) و آل‌سینا و سامرز[4] (۱۹۹۳) اشاره کرد. استقلال بانک مرکزی از ادبیات تجربی وسیعی نیز برخوردار است. ادبیات تجربی به صورت مدون از مطالعه بید و پارکین (۱۹۸۵)، آل‌سینا (۱۹۸۸)، گریلی، ماسکیاردنو و تابلینی (۱۹۹۱)، و بویژه مطالعه کوکرمن، وب و نیاپتی (۱۹۹۲) آغاز شده است. هرچند که قبل از پژوهش‌های ذکر شده در مطالعات اقتصاد سیاسی به موضوع استقلال نهادهای پولی از بخش مالی اشاره شده است.

یکی از مسائل موجود در مبحث استقلال بانک مرکزی، تعریف و اندازه‌گیری درجه استقلال است. بر اساس تعریف گریلی، ماسکیناردو و تابلینی (۱۹۹۱)، استقلال بانک مرکزی به صورت استقلال سیاسی و اقتصادی بانک مرکزی تعریف می‌شود.

استقلال مالی یکی دیگر از تعاریف مورد استفاده برای استقلال بانک مرکزی است. استقلال مالی در مطالعات مختلف برای بیان دو مفهوم به کارگرفته شده است. در برخی از مطالعات استقلال مالی بیشتر معطوف به استقلال بانک مرکزی در هزینه‌کرد و نحوه پرداخت بانک مرکزی به کارکنان خود است، در این دیدگاه استقلال مالی این مسئله مورد بررسی قرار می‌گیرد که بودجه بانک مرکزی توسط چه نهادی مشخص می‌شود. در برخی از مطالعات نیز استقلال مالی به توانایی بانک مرکزی در کنترل سیاست پولی و تأمین نکردن کسری بودجه دولت اشاره دارد.

استقلال سیاسی به صورت توانایی بانک مرکزی در تعیین اهداف سیاست پولی (استقلال در اهداف) به صورت مستقل و بدون دخالت دولت تعریف می‌شود. عوامل تعیین‌کننده این نوع استقلال در استقلال شخصی (به عنوان مثال فرآیند تعیین و عزل روسای بانک مرکزی و طول دوره ریاست)، حق دولت در دستور دادن به بانک مرکزی و حق وتوی دولت در تصمیم‌گیری‌های بانک مرکزی، به تعویق انداختن یا تغییر تصمیمات بانک مرکزی و حق حضور دولت در هیئت رئیسه بانک مرکزی قرار دارند. همچنین درجه استقلال بانک مرکزی به پاسخگویی قانونی بانک مرکزی نیز بستگی دارد. در این زمینه برداشت‌های متفاوتی در قبال پاسخگویی قانونی بانک مرکزی نسبت به ثبات سطح قیمت‌ها

---

[1] Kydland & Prescott
[2] Barro & Gordon
[3] Alesina & Grilli
[4] Alesina & Summers

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.26453355.1394.8.24.4.0]

وجود دارد. برخی معتقدند که لزوم پاسخگویی بانک مرکزی در قبال ثبات سطح قیمت‌ها باعث افزایش استقلال بانک مرکزی می‌شود و برخی نظری خلاف این عقیده دارند (کیمبر و واگنر، ۱۹۹۸).

امروزه استفاده از استقلال بانک مرکزی به عنوان یک راهکار نهادی برای کنترل تورم از مقبولیت بالایی برخوردار است. بنابراین این پژوهش سعی دارد ضمن بررسی تعاریف و شاخص‌های بیان شده برای اندازه‌گیری استقلال بانک مرکزی، درجه استقلال بانک مرکزی ایران را بر اساس شاخص‌های مختلف اندازه‌گیری کند و همچنین با توجه به تعاریفی که شاخص‌های مختلف، عوامل تأثیرگذار بر استقلال را شناسایی کند.

معمولاً استقلال بانک مرکزی از طریق بررسی اساسنامه بانک مرکزی و قوانین پولی و بانکی کشور اندازه‌گیری می‌شود. از آنجایی که پایه‌های قانونی سیاست‌های پولی در بیشتر کشورها نسبتاً به‌ندرت تغییر می‌کند، بیشتر مطالعات تجربی فرض می‌شود درجه استقلال بانک مرکزی در طی زمان تغییر نمی‌کند. برخی دیگر از مطالعات بر این عقیده‌اند که همراه با فروپاشی برتن وودز و تغییر سیستم ارزی و پولی در سطح جهانی میزان استقلال بانک‌های مرکزی نیز دستخوش تغییر شده است از اینرو به نظر می‌رسد مناسب باشد در کشورهای در حال توسعه، استقلال بانک مرکزی با صورت سری زمانی مورد بررسی قرار گیرد. از طرف دیگر در ایران برنامه‌هایی توسعه‌ای به اجرا درآمده‌اند و به ویژه بعد از انقلاب در این برنامه‌ها تغییراتی در اهداف، اختیارات و وظایف سیستم بانکی و بانک مرکزی رخ داده است. بنابراین به نظر می‌رسد درگذر زمان در کشور ایران تغییرات معناداری در درجه استقلال بانک مرکزی رخ داده باشد و به همین دلیل در این پژوهش درجه استقلال بانک مرکزی در ایران به صورت پویا مورد بررسی قرارگرفته است.

از طرف دیگر هر یک از شاخص‌های استقلال بانک مرکزی، استقلال را از دیدگاهی تعریف نموده‌اند و تمرکز بر بعد خاصی از ابعاد استقلال دارند، از اینرو برای دست‌یابی به یک دید کلی درباره وضعیت استقلال بانک مرکزی ایران، در این مطالعه برای اندازه‌گیری درجه استقلال بانک مرکزی ایران از چهار شاخص مختلف استفاده شده است.

با توجه به اهداف پژوهش، در بخش دوم ادبیات نظری و تجربی مورد بررسی قرار می‌گیرد و شاخص‌های مورد استفاده جهت محاسبه درجه استقلال بانک مرکزی معرفی می‌شوند. در ادامه با توجه به قوانین موجود مقدار درجه استقلال بانک مرکزی ایران بر اساس شاخص‌های معرفی شده محاسبه می‌شود. در پایان پیشنهادهایی بر اساس یافته‌های پژوهش ارائه می‌شوند.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.26453355.1394.8.24.4.0]

۲ ادبیات موضوع

استقلال بانک مرکزی به توانایی بانک مرکزی در پیگیری اهداف پولی و استفاده از ابزارهای دلخواه بدون دخالت دولت و یا سایر گروه‌های ذینفع اشاره دارد. بنابراین بانک مرکزی زمانی مستقل است که تحت تأثیر فشارهای دولت و یا سایر گروه‌های ذینفع و احزاب قرار نگیرد و بتواند آزادانه سیاست‌های پولی خود را به کار گیرد. در ارتباط با استقلال بانک مرکزی دو دیدگاه وجود دارد یک دیدگاه اعتقادی به استقلال بانک مرکزی ندارد و بیان می‌کنند وظیفه بانک مرکزی انتشار اسکناس برای دولت و اجرای سیاست‌های دولت است. دیدگاه دوم وظیفه بانک مرکزی را تنها حفظ ارزش پول ملی می‌داند و بیان می‌کند بانک مرکزی باید تنها به کنترل سطح قیمت‌ها توجه کند و نباید تورم را قربانی سایر متغیرهای کلان یعنی تولید و اشتغال کند. در این دیدگاه استقلال بانک مرکزی از اهمیت بالایی برخوردار است.

۱.۲ ادبیات تجربی

بعد از مطالعه اولیه بید و پارکین (۱۹۸۵)، مطالعات زیادی فرضیه ارتباط معکوس میان استقلال بانک مرکزی و تورم را مورد تایید قرار داده‌اند. در ادامه بخش از ادبیات تجربی موجود معرفی می‌شوند.

بید و پارکین (۱۹۸۵)، به بررسی تجربه ۱۲ کشور صنعتی در سال‌های بعد از فروپاشی برتون وودز پرداختند. آنها به منظور اندازه‌گیری درجه استقلال بانک مرکزی شاخصی ارائه کردند. در صورتی که بانک مرکزی بالاترین اندازه استقلال را داشته باشد مقدار شاخص برابر با چهار خواهد بود و مقدار شاخص برای عدم استقلال یا پایین‌ترین اندازه استقلال برابر یک خواهد بود. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد درجه استقلال، که به وسیله شاخص معرفی شده اندازه‌گیری شده است، یکی از مهمترین عوامل تعیین سطح تورم است. همچنین دو کشور که دارای بالاترین درجه استقلال بانک مرکزی هستند (آلمان و سوئیس) نرخ تورم پایین‌تر از میانگین نرخ تورم نمونه داشته‌اند. از طرفی دیگر آنها هیچ تفاوت معناداری در نرخ تورم کشورهایی که درجه استقلال پایینی داشته‌اند مشاهده نکرده‌اند. آل‌سینا (۱۹۸۸) به نمونه انتخابی توسط بید و پارکین (۱۹۸۵) چهار کشور (دانمارک، نیوزلند، نروژ و اسپانیا) را اضافه کرد. نتایج مطالعه آل‌سینا نیز نشان می‌دهد که یک رابطه معکوس میان درجه استقلال بانک مرکزی و میانگین نرخ تورم در سال‌های ۱۹۸۵-۱۹۷۳ وجود دارد.

گریلی، ماسکیاندرو و تابلینی (۱۹۹۱)، برای اندازه‌گیری جنبه‌های متفاوت استقلال بانک مرکزی دو نوع شاخص ارائه کردند. یک شاخص برای اندازه‌گیری استقلال اقتصادی و

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.26453355.1394.8.24.4.0]

دیگری برای اندازه‌گیری استقلال سیاسی بانک مرکزی. آنها به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش از یک نمونه شامل ۱۸ کشور توسعه یافته در خلال سال‌های ۱۹۸۹-۱۹۵۰ استفاده کردند.

کوکرمن، وب و نیاپتی (۱۹۹۲) در یک مطالعه فراگیر به اندازه‌گیری درجه استقلال بانک مرکزی و بررسی رابطه درجه استقلال بانک مرکزی با عملکرد تورم پرداختند. این مطالعه از سه جهت نسبت به سایر مطالعات صورت گرفته تا آن زمان کامل‌تر است. نخست، نمونه مورد بررسی در این مطالعه شامل ۷ کشور و گسترده‌تر از مطالعات قبلی است در ضمن در این مطالعه برای نخستین بار در نمونه مورد مطالعه از کشورهای درحال توسعه استفاده شده است.. دوم، دوره زمانی این مطالعه گسترده‌تر از مطالعات قبلی است و مطالعه سال‌های ۱۹۸۹-۱۹۵۰ را دربر می‌گیرد. سوم، به جای بررسی معنایی لغوی قوانین، در این مطالعه به منظور اندازه‌گیری دقیق قوانین موجود مقیاس‌های اندازه‌گیری شامل معیارهای گسترده‌تری هستند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در کشورهای صنعتی درجه استقلال قانونی بانک مرکزی ارتباط منفی با تورم داشته است ولی نرخ جابه‌جایی این تأثیر را نداشته است. ولی در کشورهای در حال توسعه نرخ جابه‌جایی رئیس بانک مرکزی ارتباط منفی با تورم دارد و شاخص استقلال قانونی هیچ گونه ارتباطی ندارد.

کوکرمن و وب (۱۹۹۵) شاخص جدیدی با عنوان "شاخص آسیب‌پذیری سیاسی بانک مرکزی" معرفی کردند که این شاخص یک ویرایش گسترده‌تر از نرخ جابه‌جایی است که توسط کوکرمن و همکاران (۱۹۹۲) معرفی شده است

لونگانی و شیت[1] (۱۹۹۵)، در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر استقلال بانک مرکزی بر تورم در ۱۲ کشور تازه استقلال یافته از شوروی سابق که در حال گذر به اقتصاد بازار هستند پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که دو شاخص اول استقلال بانک مرکزی تأثیر منفی بر تورم در کشورهای مورد بررسی داشته‌اند ولی شاخص سوم تأثیر مثبت بر اندازه تورم داشته است، بنابراین نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که با افزایش استقلال بانک مرکزی در این کشورها مقدار تورم کاهش یافته است.

نتایج پژوهش نشان داد که شاخص‌های استقلال بانک مرکزی باعث کاهش تورم و واریانس آن در دوره مورد بررسی در کشورهای مورد مطالعه شده‌اند، ولی بر تولید و واریانس آن تأثیر معناداری نداشته‌اند.

---

[1] Loungani & Sheets

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.26453355.1394.8.24.4.0]

لیبک (۱۹۹۹) یک شاخص برای اندازه‌گیری استقلال و پاسخگویی بانک مرکزی برای ۱۵ کشور عضو شوروی سابق در خلال سال‌های ۱۹۹۷-۱۹۹۵ تدوین کرد. این شاخص ترکیبی از معیارهایی است که به طور معمول در شاخص‌های قبلی به کارگرفته شده است ولی خیلی کامل‌تر است و جزئیات را با دقت بیشتری مورد بررسی قرار داده است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که میان شاخص معرفی شده توسط لیبک و میانگین تورم یک رابطه منفی وجود دارد، علاوه براین این شاخص ارتباط منفی با رشد اقتصادی در دوره مورد بررسی داشته است.

دی هان و کوایی[1] (۲۰۰۰) به بررسی ارتباط میان تورم و استقلال بانک مرکزی در ۸۲ کشور در حال توسعه در خلال سال‌های ۱۹۸۰-۱۹۸۹ میلادی پرداختند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که میان شاخص قانونی استقلال بانک مرکزی و تورم در کشورهای مورد مطالعه ارتباط منفی و معناداری وجود دارد،

جعفری صمیمی (۲۰۰۱)، در مطالعه‌ای به بررسی ارتباط میان استقلال بانک مرکزی و حق‌الضرب پول در نمونه‌ای شامل ۴۰ کشور منتخب در حال توسعه در سال‌های ۱۹۷۴ - ۱۹۹۰ پرداخته است. در این پژوهش به منظور اندازه‌گیری استقلال بانک مرکزی از طول دوره مسئولیت روسای بانک مرکزی استفاده شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد برخلاف انتظار یک رابطه مثبت و معنادار بین حق‌الضرب و شاخص اندازه‌گیری استقلال بانک مرکزی- که به صورت طول دوره مسئولیت اجرایی رؤسای بانک‌های مرکزی در این کشورها اندازه‌گیری شده است- وجود دارد.

زرووپانی[2] و همکاران (۲۰۱۲)، در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر استقلال بانک مرکزی بر متغیرهای اقتصاد کلان نظیر تورم، اشتغال و نوسانات تولید پرداختند، بدین منظور از داده‌های مربوط به سال‌های ۲۰۰۶-۱۹۸۱ مربوط به ۳۹ کشور منتخب استفاده شده است. در این پژوهش بر اساس تحولات صورت گرفته در مباحث سیاست‌های پولی، دوره مورد بررسی به سه زیر دوره مساوی تقسیم شده است، ۱۹۸۱-۱۹۸۹، ۱۹۹۱-۱۹۹۸ و ۱۹۹۹-۲۰۰۶ و در هر یک از این زیر دوره از شاخص متفاوتی برای استقلال بانک مرکزی استفاده شده است، برای اندازه‌گیری استقلال بانک مرکزی در دوره ۱۹۸۱-۱۹۸۹ از شاخص معرفی شده توسط کوکرمن، وب و نیاپتی (۱۹۹۲) استفاده شده است، و برای دوره زمانی ۱۹۹۱-۱۹۹۸ و ۱۹۹۹-۲۰۰۶ از ویرایش به روز شده شاخص مورد استفاده در زیر دوره قبل استفاده

[1] De Haan & Kooi
[2] Zervoyianni

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.26453355.1394.8.24.4.0]

شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که کاهش تورم زاییده‌ی دسته‌ای از عوامل است که استقلال بانک مرکزی یکی از آنهاست و استقلال بانک مرکزی متغیر کلیدی در کاهش تورم نبوده است،

در ادامه برخی از مطالعات انجام شده در داخل کشور معرفی می‌شوند.

عادلی (۱۳۶۹) در مطالعه‌ای به بررسی تاریخچه بحث استقلال بانک مرکزی در جهان پرداخته است و در ادامه وضعیت استقلال بانک مرکزی ایران از سال ۱۳۳۹ به بعد را با استفاده از بررسی تغییرات در اساسنامه بانک مرکزی مورد بررسی قرار داده است. در این مطالعه به شاخص‌های معرفی شده برای استقلال بانک مرکزی هیچ‌گونه اشاره‌ای نشده است و در پایان نیز مقدار کمی‌ای برای اندازه استقلال بانک مرکزی مشخص نشده است.

جعفری صمیمی و احمدی (۱۳۸۱) در مقاله‌ای به بررسی تأثیر استقلال بانک مرکزی بر متغیرهای اقتصاد کلان نظیر تورم، رشد، کسری بودجه و مالیات تورمی در ۴۵ کشور درحال توسعه در خلال سال‌های ۱۹۹۰-۱۹۹۸ پرداختند. نتایج نشان می‌دهد در دوره مورد میان شاخص استقلال بانک مرکزی و تورم رابطه منفی و معناداری وجود دارد و این بدین معنا است که با افزایش استقلال بانک مرکزی اندازه تورم در کشورهای مورد بررسی کاهش یافته است. اندازه کسری بودجه دولت‌ها کاهش و رشد اقتصادی افزایش یافته است. همچنین، میان استقلال بانک مرکزی و مالیات تورمی رابطه‌ی منفی وجود دارد.

تقی پور و موسوی (۱۳۸۳) در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر استقلال بانک مرکزی بر تورم پرداختند، در این پژوهش به منظور بررسی رابطه تورم و استقلال بانک مرکزی، از اطلاعات مربوط به ۵۶ کشور در حال توسعه در طول سال‌های ۱۹۹۰-۱۹۹۹ استفاده شده است و به منظور اندازه‌گیری استقلال بانک مرکزی از شاخص نرخ تعویض رئیس بانک مرکزی استفاده شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد ارتباط معناداری میان تورم و استقلال بانک مرکزی وجود ندارد.

فرجی و میرسعید قاضی (۱۳۸۴) در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر استقلال بانک مرکزی بر تأثیرگذاری سیاست پولی در ایران در خلال برنامه‌های اول، دوم و سوم توسعه پرداخته‌اند.

رحمانی و صادق زاده (۱۳۸۹) در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر استقلال بانک مرکزی بر ثبات اقتصادی پرداختند. نتایج برآورد برای کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد که استقلال بانک مرکزی تأثیر منفی بر مقدار نوسانات رشد اقتصادی دارد ولی این تأثیر از نظر آماری در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نیست، ولی در کشورهای توسعه یافته استقلال بانک مرکزی تأثیر منفی و معناداری بر بی‌ثباتی اقتصاد کلان دارد.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.26453355.1394.8.24.4.0]

۲.۲ شاخص‌های اندازه‌گیری استقلال بانک مرکزی

استقلال بانک مرکزی یک پدیده کیفی است که برای اندازه‌گیری و کمی‌کردن آن باید از متغیرهای جایگزین استفاده کرد. برای سنجش میزان استقلال بانک مرکزی شاخص‌های مختلفی معرفی شده است. این شاخص‌ها مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در استقلال بانک مرکزی را مورد توجه قرار می‌دهند. یکی از مهم‌ترین عواملی که در استقلال بانک مرکزی دارای اهمیت است و در تمامی شاخص‌های تعیین استقلال نیز مورد توجه قرارگرفته است، شرایط حاکم بر روسای بانک مرکزی است.

بیشتر شاخص‌های اندازه‌گیری استقلال بانک مرکزی درجه استقلال بانک مرکزی را بر مبنای بندهای اساسنامه محاسبه می‌کنند بنابراین استقلال قانونی بانک مرکزی را اندازه‌گیری می‌کنند. در ادبیات موجود این شاخص‌ها را شاخص‌های قانونی محاسبه درجه استقلال بانک مرکز می‌نامند. استقلال واقعی می‌تواند به دلایل متفاوتی با استقلال قانونی بانک مرکزی متفاوت باشد. به عنوان مثال، بعضی از بانک‌های مرکزی در کشورهای در حال توسعه با مشکلاتی مواجه هستند که باعث می‌شود نتوانند از اختیارات قانونی خود به طور کامل استفاده کنند (واگنر، ۱۹۹۸). خصوصیات فردی و توانایی‌های رئیس بانک مرکزی و روابط رسمی و غیررسمی بین بانک مرکزی و دولت و فرآیندهای سیاسی موجود در کشور ممکن است منجر به تفاوت در استقلال واقعی و استقلال قانونی بانک مرکزی شوند. . این شاخص‌ها بر مبنای پرسشنامه طراحی شده‌اند و تورش جایگاه قانونی استقلال از مقدار واقعی آن را اندازه‌گیری می‌کنند. نرخ جابه‌جایی واقعی رئیس بانک مرکزی و آسیب‌پذیری سیاسی رئیس بانک مرکزی نیز به عنوان شاخص‌هایی برای استقلال واقعی بانک مرکزی به خصوص برای کشورهای درحال توسعه مورد استفاده قرار می‌گیرند (ایجفینگر و دیهان، ۱۹۹۶).

اولین تلاش برای معرفی شاخص جهت استقلال بانک مرکزی به مطالعه بید و پارکین (۱۹۸۸) برمی‌گردد. بید و پارکین (۱۹۸۸) استقلال بانک مرکزی را در دو جنبه استقلال سیاسی و استقلال مالی مورد بررسی قرار داده‌اند. در ادامه ایجفینگر و شالینگ (۱۹۹۳) همزمان با استفاده از شاخص بید و پارکین تغییراتی نیز در این شاخص اعمال کردند.

گریلی و همکاران (۱۹۹۱) شاخصی به منظور محاسبه درجه استقلال قانونی بانک مرکزی تدوین کردند. این شاخص استقلال بانک مرکزی را به از دو جنبه استقلال سیاسی و استقلال اقتصادی مورد بررسی قرار داده است. در مقایسه با شاخص بید و پارکین، این شاخص گسترده‌تر است و تأکید بیشتری بر جزئیات دارد. از آنجایی که یکی از شاخص‌های

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.26453355.1394.8.24.4.0]

مورد استفاده در این مطالعه شاخص گریلی و همکاران (۱۹۹۱) است، بنابراین این شاخص با جزئیات بیشتری مورد بررسی قرار می‌گیرد.

شاخص استقلال گریلی و همکاران (۱۹۹۱) از محاسبه شاخص‌های استقلال سیاسی و استقلال اقتصادی به دست می‌آید. شاخص استقلال سیاسی از هشت گزاره تشکیل شده است و در صحیح بودن هر گزاره برای بانک مرکزی مورد بررسی یک نمره لحاظ می‌گردد. بنابراین بیشترین درجه استقلال سیاسی بانک مرکزی براساس این شاخص برابر با هشت است و کمترین آن صفر است. شاخص استقلال اقتصادی نیز از هفت گزاره تشکیل شده و جمعاً هشت نمره دارد. بنابراین درجه استقلال بانک مرکزی بر اساس شاخص گریلی و همکاران برابر مجموع شاخص‌های استقلال سیاسی و اقتصادی است و بیشترین درجه استقلال برابر ۱۶ و کمترین آن برابر صفر است. در ادامه شاخص استقلال گریلی و همکاران به صورت جزئی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

جدول ۱

شاخص استقلال سیاسی

شماره	گزاره	نمره
۱	رئیس بانک مرکزی توسط دولت منصوب نمی‌شود.	۱
۲	دوره ریاست بیشتر از پنج سال است.	۱
۳	تمامی اعضای هیئت رئیسه توسط دولت مشخص نمی‌شوند.	۱
۴	دوره فعالیت اعضای هیئت رئیسه بیشتر از پنج سال است.	۱
۵	نمایندگان دولت اکثریت را در هیئت رئیسه ندارند.	۱
۶	تایید دولت برای سیاست پولی لازم نیست.	۱
۷	بر اساس قانون، ثبات پولی جزء اهداف بانک مرکزی است	۱
۸	در هنگام تضاد با دولت، بانک مرکزی از پشتیبانی قانونی بالاتری برخوردار است.	۱

یادداشت. منبع: گریلی و همکاران (۱۹۹۱)

در گزاره‌های شماره یک و سه فرض بر این است که اگر روسای بانک مرکزی به وسیله دولت تعیین نشوند آنها می‌توانند به گونه‌ایی مستقل‌تر عمل کنند. البته اگر کمیته‌ای که رئیس بانک مرکزی را انتخاب می‌کند جدای از دولت باشد اما استقلال واقعی از دولت نداشته باشد این گزاره‌ها می‌توانند نتایج گمراه‌کننده‌ای در ارتباط با استقلال بانک مرکزی داشته باشند. در مورد گزاره‌های شماره دو و سه فرض بر این است که طول بیشتر دوره ریاست باعث می‌شود تا دولت نتواند در کوتاه‌مدت در ترکیب اعضای هیئت رئیسه و ریاست بانک مرکزی تغییرات انجام دهد. گزاره‌های شماره پنج، شش و هشت به بررسی نحوه

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.26453355.1394.8.24.4.0]

تعامل دولت و بانک مرکزی در رابطه با سیاست‌گذاری و اجرای سیاست‌های پولی می‌پردازند. اگر در زمینه سیاست‌گذاری پولی اعضای دولت حق رأی داشته باشند و یا سیاست پولی نیاز به تایید دولت داشته باشد، بانک مرکزی از استقلال کافی برخوردار نیست.

در شاخص گریلی و همکاران (۱۹۹۱) توانایی بانک مرکزی در انتخاب ابزارهای سیاست پولی بدون دخالت دولت توسط شاخص استقلال اقتصادی اندازه‌گیری می‌شود. شاخص استقلال اقتصادی از هفت گزاره تشکیل شده است و در مجموع هشت نمره دارد.

جدول ۲

شاخص استقلال اقتصادی

شماره	گزاره	نمره
۱	چگونگی تأمین اعتبار مستقیم برای دولت: به صورت خودکار نباشد	۱
۲	چگونگی تأمین اعتبار مستقیم برای دولت: در نرخ بهره بازار باشد.	۱
۳	چگونگی تأمین اعتبار مستقیم برای دولت: موقتی باشد.	۱
۴	چگونگی تأمین اعتبار مستقیم برای دولت: محدودیت در مقدار داشته باشد.	۱
۵	بانک مرکزی در بازارهای اولیه برای خرید بدهی‌های دولت فعالیت نداشته باشد.	۱
۶	نرخ تنزیل توسط بانک مرکزی تعیین می‌شود.	۱
۷	نظارت بر سیستم بانکی: بانک مرکزی وظیفه‌ای ندارد.	۲
	تنها برعهده بانک مرکزی نیست.	۱

یادداشت. منبع گریلی و همکاران (۱۹۹۱)

گزاره‌های شماره یک تا چهار به بررسی تأمین مالی دولت توسط بانک مرکزی می‌پردازند. به نظر می‌رسد ممنوعیت یا محدودیت بر مبلغ یا دوره زمانی وام‌های خودکار بانک مرکزی برای جبران کسری بودجه دولت بر افزایش استقلال بانک مرکزی مؤثر است. گزاره شماره پنج به بررسی توانایی خرید مستقیم اوراق قرضه دولت توسط بانک مرکزی می‌پردازد. همراه با افزایش محدودیت‌های قانونی بر بانک مرکزی در خرید اوراق قرضه دولت در بازارهای اولیه و نه در بازارهای ثانویه، استقلال بانک مرکزی نیز افزایش می‌یابد. گزاره‌های شماره شش و هفت ناظر به استقلال سیاست پولی در مدیریت نرخ تنزیل و تأثیر نظارت بر سیستم بانکی بر کاهش استقلال بانک مرکزی است.

کوکرمن، وب و نیاپتی (۱۹۹۲) شاخصی برای محاسبه درجه استقلال قانونی بانک مرکزی ارائه کردند. شاخص کوکرمن و همکاران (۱۹۹۲) از زمان ارائه یکی از پرکاربردترین

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.26453355.1394.8.24.4.0]

شاخص‌های ارائه شده برای محاسبه درجه استقلال بانک مرکزی بوده است. این شاخص در دو ویرایش وزن داده شده (LVAW)[1] و بدون وزن (LVAU)[2] ارائه شده است. در این شاخص به منظور بررسی درجه استقلال شانزده مشخصه را که در چهار گروه که عبارتند از استقلال فردی رئیس بانک مرکزی، جنبه‌های مختلف استقلال در سیاست‌گذاری پولی، اهداف نهایی بانک مرکزی، و محدودیت‌های حاکم بر تأمین مالی دولت و قرض دادن به دولت است، تقسیم‌بندی می‌شوند. تفاوت شاخص وزنی با شاخص بدون وزن در وزن‌هایی است که بر هرکدام از این مشخصه‌ها تعلق می‌گیرد.

شاخص دیگری برای محاسبه درجه استقلال بانک مرکزی توسط دومیتر (۲۰۰۹) معرفی شد[3]. دومیتر این شاخص را "شاخص استقلال بانک مرکزی و هدف‌گذاری تورم" نامید. شاخص استقلال بانک مرکزی و هدف‌گذاری تورم به سه بخش اصلی "استقلال سیاسی و قانونی بانک مرکزی"، "حاکمیت بانک مرکزی و تبیین سیاست پولی" و " شفافیت و پاسخگویی بانک مرکزی" تقسیم شده است. ۳ بررسی وضعیت استقلال بانک مرکزی ایران ۱۳۹۱-۱۳۳۹

در این پژوهش روند استقلال بانک مرکزی ایران از زمان تأسیس در سال ۱۳۳۹ تا سال ۱۳۹۱ مورد بررسی قرار گرفته است. لازم به ذکر است که به منظور تعیین درجه استقلال و بررسی گزاره‌های موجود در هر یک از شاخص‌ها از قوانین مختلفی نظیر قانون بانکی و پولی کشور مصوب سال‌های ۱۳۳۹، ۱۳۵۱ و اصلاح قانون پولی و بانکی مصوب ۱۳۵۸، قانون انتشار اسناد خزانه مصوب ۱۳۴۳، قانون انتشار اوراق قرضه و اسناد خزانه مصوب ۱۳۴۸، قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب ۱۳۶۲ و اصلاحات صورت گرفته در سال ۱۳۶۵ و اصلاحات بعدی آن استفاده است. از طرفی قبل و به ویژه بعد از انقلاب اسلامی در برنامه‌های توسعه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی کشور وظایف، محدودیت‌ها و اختیاراتی برای سیستم پولی و بانکی کشور و به خصوص بانک مرکزی مشخص شده است. بر اساس این برنامه‌ها در ترکیب اعضای پول و اعتبار تغییراتی ایجاد شده است. بنابراین در این مطالعه به منظور بررسی روند استقلال بانک مرکزی قوانین توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور نیز مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

---

[1] Weighted Index of Legal Independence

[2] Unweighted Index of Legal Independence

[3] برای جزئیات بیشتر به مقاله دومیتر (۲۰۰۹) مراجعه شود.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.26453355.1394.8.24.4.0]

یکی از مهمترین عوامل تأثیرگذار بر استقلال بانک مرکزی که در تمامی شاخص‌های استقلال مورد استفاده قرار گرفته است طول دوره ریاست و شرایط حاکم بر رئیس و اعضای هیئت مدیره بانک مرکزی و چگونگی انتخاب این اعضاست. بر اساس ماده ۲۸ قانون بانکی و پولی کشور مصوب ۱۳۳۹ رئیس بانک مرکزی به پیشنهاد وزیر دارایی و تصویب هیئت وزیران و بموجب فرمان همایونی به مدت سه سال منصوب می‌شود و انتخاب مجدد او بلامانع است. از آنجایی که طول دوره ریاست ۳ سال است پس روسای بانک مرکزی از ثبات مدیریتی کمی برخوردارند و این امر بر استقلال بانک مرکزی تأثیر منفی دارد. هر چند در این قانون به طور صریح در مورد نحوه عزل رئیس بانک مرکزی و پاسخگویی آن مطلبی بیان نشده است، اما با توجه به بررسی نحوه عزل روسای بانک مرکزی می‌توان گفت عزل رئیس بانک مرکزی نیز توسط دولت صورت می‌گیرد.

در ماده شماره ۱۹ قانون پولی و بانکی مصوب سال ۱۳۵۱ نحوه عزل و نصب رئیس بانک مرکزی مشخص شده است. تنها تغییر نسبت به قانون مصوب سال ۱۳۳۹ طول دوره ریاست است که از ۳ سال به ۵ سال افزایش یافته است.

بر اساس قانون برنامه پنج ساله چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور رئیس بانک مرکزی به پیشنهاد رئیس‌جمهور و تایید مجمع عمومی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با حکم رئیس‌جمهور منصوب می‌گردد. می‌توان گفت کیفیت تعیین رئیس بانک مرکزی نسبت به قبل تغییر نکرده زیرا مجمع عمومی نیز از وزرای دولت تشکیل شده است، تنها تفاوت در این است که رئیس بانک مرکزی قبلاً به پیشنهاد وزیر امور اقتصادی و دارایی معرفی می‌شد اما در این قانون به پیشنهاد رئیس‌جمهور معرفی می‌شود. در قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه نیز نحوه انتخاب رئیس بانک مرکزی تغییری نمی‌کند، البته در یک تبصره شرایطی برای رئیس بانک مرکزی و قائم‌مقام او تعیین می‌شود. در ماده شماره ۸۸ برنامه پنج ساله پنجم توسعه کشور آمده است:" رئیس‌کل بانک مرکزی و قائم‌مقام وی باید از بین متخصصان مجرب پولی بانکی و اقتصادی با حداقل ده سال تجربه‌کاری و تحصیلات حداقل کارشناسی ارشد در رشته‌های مرتبط و دارای حسن شهرت انتخاب شوند".

لازم به ذکر است که در آبان ماه ۱۳۹۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام مصوب کرد که رئیس بانک مرکزی به پیشنهاد وزیر امور اقتصادی و دارایی، تصویب هیئت وزیران و تایید رئیس‌جمهور انتخاب می‌شود. شرایطی نیز برای رئیس بانک مرکزی در نظر گرفته شده است که عبارتند از: الف: کفایت علمی (داشتن دکترا در یکی از رشته‌های اقتصادی، پولی و مالی)، ب: کفایت تجربی (داشتن ۷ سال تجربه در سطوح سیاست‌گذاری و مدیریتی در

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.26453355.1394.8.24.4.0]

حوزه‌های اقتصادی، پولی و مالی و یا ۵ سال تجربه مدیریتی در حوزه‌های تخصصی بانک مرکزی، مدیرکل به بالا)، ج: داشتن حسن شهرت و توانایی انجام وظایف، د: نداشتن سابقه محکومیت مؤثر کیفری، ه: نداشتن تخلف مالی گسترده. در این مصوبه نحوه عزل رئیس بانک مرکزی نیز شفاف شده است، بر این اساس رئیس بانک مرکزی به پیشنهاد رئیس‌جمهور، با رأی دوسوم اعضای هیات دولت و با تایید و حکم رئیس‌جمهور صورت می‌گیرد. در این میان و پیش از رأی‌گیری در هیات دولت، رئیس‌کل بانک مرکزی می‌تواند در صورت تمایل در هیات دولت به دفاع از خود بپردازد. همچنین در ضوابط عزل نیز مقرر شد که در صورت تحقق یک یا چند بند از شرایط ذیل، عزل و جایگزینی رئیس بانک مرکزی محقق خواهد شد: از دست دادن یک یا چند شرط از شرایط مذکور یا احراز فقدان یک یا چند شرط احراز منصب و عدم توانایی یا کوتاهی در انجام وظایف قانونی و در تحقق اهداف بانک مرکزی. همچنین پذیرش استعفای رئیس‌کل بانک مرکزی نیز، توسط رئیس‌جمهور انجام می‌شود.

بر اساس قوانین پولی و بانکی مصوب ۱۳۳۹ و ۱۳۵۱ رئیس بانک مرکزی در دولت سمت دیگری ندارد و تنها در شورای عالی اقتصاد عضویت دارد. اما بر اساس قانون عمرانی سوم، چهارم و پنجم قبل از انقلاب به ترتیبی برای سال‌های (۱۳۴۷-۱۳۴۱)، (۱۳۵۱-۱۳۴۷) و (۱۳۵۶-۱۳۵۲) رئیس بانک مرکزی جزء اعضای هیئت عالی برنامه است. هیئت عالی برنامه تحت نظر نخست‌وزیر و به منظور تأمین حسن انجام برنامه تعیین ایجاد شده است. اگر بتوان عضویت در هیئت عالی برنامه که حقوق و مزایای آن را دولت تعیین می‌کند عضویت در یک نهاد دولتی نامید می‌توان گفت رئیس بانک مرکزی در دولت سمت دیگری نیز دارد.

بر اساس ماده ۲۸ قانون بانکی و پولی مصوب سال ۱۳۳۹، حفظ ارزش پول ملی و تنظیم اعتبارات از اهداف تشکیل بانک مرکزی هستند. اگر ثبات سطح قیمت‌ها را معادل حفظ ارزش پول ملی بدانیم، می‌توان هدف اول بانک مرکزی ثبات سطح قیمت‌ها و هدف دوم آن تنظیم اعتبارات در اقتصاد است.

در ادامه شفافیت و پاسخگویی بانک مرکزی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

آیا برای متغیرهای پولی اهداف کمی مشخص می‌شود؟

قانون بانکی و پولی مصوب ۱۳۳۹ و همچنین بررسی انتشارات بانک مرکزی در دوره مورد نظر نشان می‌دهند بانک مرکزی برای متغیرهای پولی هدف کمی ندارد. قانون پولی و بانکی مصوب سال ۱۳۵۱ نیز اهداف کمی مشخصی برای متغیرهای پولی ندارد و در انتشارات مربوط به بانک مرکزی در دوره مورد بررسی نیز چنین اهدافی ذکر نشده است. اما

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.26453355.1394.8.24.4.0]

بعد از انقلاب در برنامه‌های اول تا چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور که از سال ۱۳۶۸ شروع شده‌اند مقدار کمی برای متغیرهای پولی مشخص شده است.

آیا بانک داده‌های مربوط به متغیرهای کلان اقتصادی نظیر حجم پول و تورم را منتشر می‌کند؟ آیا بانک مرکزی برای تصمیماتی که اتخاذ می‌کند توضیح می‌دهد؟

بانک مرکزی از سال ۱۳۳۹ با نشریه جداول آماری سالانه و ترازنامه بانک مرکزی به انتشار آمارهای پولی و میزان عناصر موجود در حساب دارایی و بدهی خود اقدام می‌کند، علاوه بر این وضعیت سایر حساب‌های کلان اقتصادی ایران، تصمیمات شورای پول و اعتبار، سیاست‌های پولی و چرایی اتخاذ هر سیاست توسط بانک مرکزی آمده است.

با توجه به اینکه در برنامه‌های اول تا چهارم توسعه (۱۳۸۹-۱۳۶۸) برای متغیرهای پولی اهداف کمی تعیین شده است، با بررسی انتشارات بانک مرکزی در دوره مورد بررسی مشخص شد که بانک مرکزی از روند متغیرهای اقتصادی به طور منظم گزارش ارائه می‌کند، این گزارش‌ها معمولاً به صورت سالانه هستند و با مقداری تأخیر منتشر می‌شوند. در ضمن بانک مرکزی برای برخی از تصمیمات اتخاذ شده توضیحاتی ارائه می‌دهد. لازم به ذکر است که گزارش منظم بانک مرکزی برای برخی متغیرهای پولی و متغیرهای کلان اقتصادی از سال ۱۳۸۶ با تأخیر فراوان منتشر شد، به نحوی که داده‌های مربوط به برخی از این متغیرها تا سال ۱۳۹۰ در دسترس نبود.

آیا بانک مرکزی به طور منظم مقدار دسترسی به اهداف را گزارش می‌دهد؟

در برنامه‌های اول تا چهارم توسعه بعد از انقلاب برای متغیرهای اقتصاد کلان و حجم پول مقدار هدف مشخص شده است. بانک مرکزی نیز سالانه به طور منظم ولی با مقداری تأخیر در گزارش‌های عملکرد اقتصادی نسبت به میزان دسترسی به اهداف برنامه گزارش‌هایی منتشر می‌کرد. اما در برنامه چهارم توسعه و از سال ۱۳۸۶ گزارش دسترسی به اهداف با تأخیر زیادی منتشر شده است.

بانک مرکزی در برابر چه قوه‌ای پاسخگو است؟ آیا فعالیت‌های بانک مرکزی مورد بازرسی قرار می‌گیرد؟

براساس قانون بانکی و پولی مصوب ۱۳۳۹ انتخاب ریاست بانک مرکزی توسط دولت و مخصوصاً وزیر دارایی صورت می‌گیرد. بر فعالیت‌های بانک مرکزی هیئت ناظر و بازپرس نظارت دارد. هیئت ناظر توسط مجمع عمومی بانک تعیین می‌گردد و از آنجایی که اکثریت اعضای مجمع عمومی به طور مستقیم و غیرمستقیم توسط دولت و به خصوص وزارت دارایی انتخاب می‌شود، بنابراین هیئت ناظر نیز به طور غیرمستقیم توسط وزارت دارایی

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.26453355.1394.8.24.4.0]

انتخاب می‌شود. از طرفی یک بازرس نیز که به طور مستقیم توسط وزارت دارایی انتخاب می‌شود بر فعالیت‌های بانک مرکزی نظارت کامل دارد.

بر اساس قانون پولی و بانکی مصوب سال ۱۳۵۱ ریاست بانک مرکزی توسط هیئت وزیران انتخاب می‌شود و هیئت ناظر نیز توسط وزیر دارایی انتخاب می‌شوند بنابراین می‌توان گفت که بانک مرکزی در برابر دولت پاسخگوست.

با توجه به تغییراتی که بر اساس اصلاحیه قانون پولی و بانکی کشور مصوب سال ۱۳۵۸ در اعضای شورای پول و اعتبار به وجود می‌آید و اهدافی که در قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب سال ۱۳۶۲ برای بانک مرکزی و سیستم بانکی تعیین می‌شود می‌توان گفت که بانک مرکزی باید در برابر دولت پاسخگو باشد.

۳ یافته‌های پژوهش

در نمودار شماره ۱ و جدول شماره ۳ مقدار درجه استقلال بانک مرکزی ایران بر اساس شاخص‌های معرفی شده آمده است. همان‌گونه که نمودار نشان می‌دهد مقدار درجه استقلال بر اساس هر چهار شاخص مورد استفاده در این مطالعه دارای حداقل ۵ نقطه شکست هستند. شکست نخست در سال ۱۳۵۱ و با تصویب قانون پولی و بانکی جدید رخ داده است. هرچند که در بعضی موارد برای سال‌های ۱۳۴۳ و ۱۳۴۸ نیز قوانین انتشار اسناد خزانه و قانون انتشار اوراق قرضه و اسناد خزانه به تصویب رسیده‌اند تغییر در درجه استقلال بانک مرکزی را نشان می‌دهند. کاهش درجه استقلال در سال ۱۳۵۱ با وجود افزایش دوره ریاست بانک مرکزی از سه سال به پنج سال رخ داده است. این اتفاق به این مسئله اشاره می‌کند حتی اگر دوره ریاست بانک مرکزی افزایش یابد اما این نهاد نتواند آزادانه اهداف پولی را دنبال کند و بر استقراض دولت محدودیت اعمال کند، استقلال واقعی برای بانک مرکزی به دست نخواهد آمد.

نقطه شکست بعدی در سال ۱۳۶۲ رخ داده است. در این سال قانون عملیات بانکی بدون ربا به تصویب می‌رسد. همان‌گونه که در بالا بحث شد یکی از موارد این قانون این است که سیاست پولی را حق حاکمیتی دولت می‌داند و بیان می‌کند بانک مرکزی و سیستم بانکی کشور باید در زمینه اجرای سیاست‌های پولی و اعتباری مصوب دولت همکاری لازم را به عمل آورند. نقطه شکست بعدی در سال ۱۳۶۸ رخ می‌دهد. سال ۱۳۶۸ سال آغاز برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب است. در قوانین توسعه اهداف، وظایف و اختیاراتی برای بانک مرکزی تعریف شده است که بر درجه استقلال بانک تأثیرگذار است. بر اساس

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.26453355.1394.8.24.4.0]

جدول ۳

درجه استقلال بانک مرکزی ایران (۱۳۹۱-۱۳۴۰)

شاخص					شاخص				
سال	gri	cuk	dum	mat	سال	gri	cuk	dum	mat
۱۳۴۰	۰/۵۰	۰/۳۸	۰/۳۱	۰/۳۹	۱۳۶۶	۰/۱۹	۰/۲۳	۰/۲۴	۰/۰۶
۱۳۴۱	۰/۵۰	۰/۳۸	۰/۳۲	۰/۳۹	۱۳۶۷	۰/۱۹	۰/۲۳	۰/۲۴	۰/۰۶
۱۳۴۲	۰/۵۰	۰/۳۸	۰/۳۲	۰/۳۹	۱۳۶۸	۰/۲۵	۰/۲۱	۰/۲۹	۰/۰۸
۱۳۴۳	۰/۵۰	۰/۴۹	۰/۳۲	۰/۳۹	۱۳۶۹	۰/۲۵	۰/۲۱	۰/۳۱	۰/۰۸
۱۳۴۴	۰/۵۰	۰/۴۹	۰/۳۳	۰/۳۹	۱۳۷۰	۰/۲۵	۰/۲۱	۰/۳۱	۰/۰۸
۱۳۴۵	۰/۵۰	۰/۴۹	۰/۳۳	۰/۳۹	۱۳۷۱	۰/۲۵	۰/۲۱	۰/۳۱	۰/۰۸
۱۳۴۶	۰/۵۰	۰/۴۹	۰/۳۴	۰/۳۹	۱۳۷۲	۰/۲۵	۰/۲۱	۰/۳۱	۰/۰۸
۱۳۴۷	۰/۵۰	۰/۴۹	۰/۳۴	۰/۳۹	۱۳۷۳	۰/۲۵	۰/۲۱	۰/۳۱	۰/۰۸
۱۳۴۸	۰/۵۰	۰/۴۹	۰/۳۴	۰/۳۹	۱۳۷۴	۰/۲۵	۰/۲۱	۰/۳۱	۰/۰۸
۱۳۴۹	۰/۵۰	۰/۴۹	۰/۳۲	۰/۳۹	۱۳۷۵	۰/۲۵	۰/۲۱	۰/۳۱	۰/۰۸
۱۳۵۰	۰/۵۰	۰/۴۹	۰/۳۲	۰/۳۹	۱۳۷۶	۰/۲۵	۰/۲۱	۰/۳۱	۰/۰۸
۱۳۵۱	۰/۵۰	۰/۴۸	۰/۳۷	۰/۳۶	۱۳۷۷	۰/۲۵	۰/۲۱	۰/۳۱	۰/۰۸
۱۳۵۲	۰/۵۰	۰/۴۸	۰/۳۷	۰/۳۶	۱۳۷۸	۰/۲۵	۰/۲۱	۰/۳۱	۰/۰۸
۱۳۵۳	۰/۵۰	۰/۴۸	۰/۳۷	۰/۳۶	۱۳۷۹	۰/۲۵	۰/۲۱	۰/۳۱	۰/۰۸
۱۳۵۴	۰/۵۰	۰/۴۸	۰/۳۷	۰/۳۶	۱۳۸۰	۰/۲۵	۰/۲۱	۰/۳۱	۰/۰۸
۱۳۵۵	۰/۵۰	۰/۴۸	۰/۳۸	۰/۳۶	۱۳۸۱	۰/۲۵	۰/۲۱	۰/۳۱	۰/۰۸
۱۳۵۶	۰/۵۰	۰/۴۸	۰/۳۸	۰/۳۶	۱۳۸۲	۰/۲۵	۰/۲۱	۰/۳۱	۰/۰۸
۱۳۵۷	۰/۵۰	۰/۴۸	۰/۳۸	۰/۳۶	۱۳۸۳	۰/۲۵	۰/۲۱	۰/۳۰	۰/۰۸
۱۳۵۸	۰/۵۰	۰/۴۸	۰/۳۶	۰/۳۶	۱۳۸۴	۰/۲۵	۰/۲۱	۰/۳۰	۰/۰۸
۱۳۵۹	۰/۵۰	۰/۴۸	۰/۳۶	۰/۳۶	۱۳۸۵	۰/۲۵	۰/۲۱	۰/۳۰	۰/۰۸
۱۳۶۰	۰/۵۰	۰/۴۸	۰/۳۶	۰/۳۶	۱۳۸۶	۰/۲۵	۰/۲۱	۰/۱۸	۰/۰۷
۱۳۶۱	۰/۴۴	۰/۴۸	۰/۳۶	۰/۳۶	۱۳۸۷	۰/۲۵	۰/۲۱	۰/۱۷	۰/۰۴
۱۳۶۲	۰/۱۹	۰/۲۳	۰/۲۵	۰/۰۶	۱۳۸۸	۰/۲۵	۰/۲۱	۰/۱۹	۰/۰۴
۱۳۶۳	۰/۱۹	۰/۲۳	۰/۲۵	۰/۰۶	۱۳۸۹	۰/۲۵	۰/۲۱	۰/۱۶	۰/۰۴
۱۳۶۴	۰/۱۹	۰/۲۳	۰/۲۵	۰/۰۶	۱۳۹۰	۰/۲۵	۰/۲۱	۰/۱۶	۰/۰۴
۱۳۶۵	۰/۱۹	۰/۲۳	۰/۲۵	۰/۰۶	۱۳۹۱	۰/۲۵	۰/۲۱	۰/۱۶	۰/۰۴

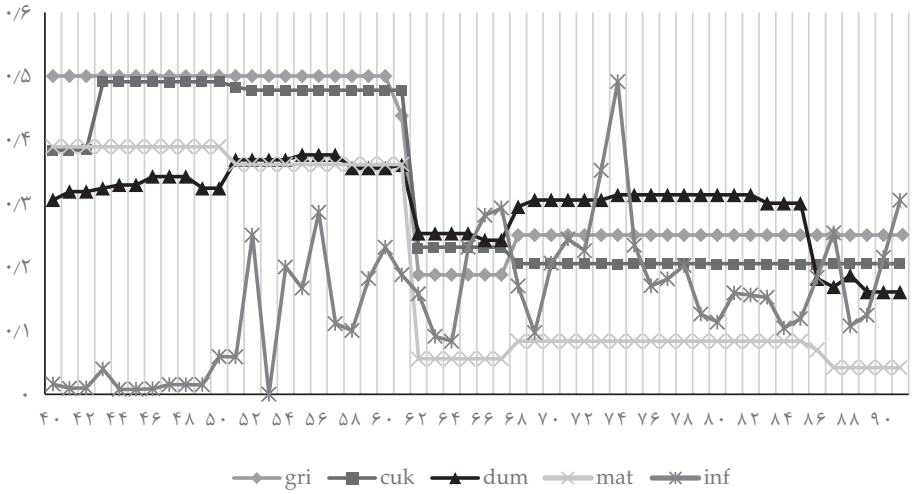
یادداشت. لازم به ذکر است که برای سهولت در مقایسه نتایج شاخص‌های مختلف در بازه [۱ و ۰] استاندارد شده‌اند. عدد یک بیانگر استقلال کامل و عدد صفر نشان دهنده عدم استقلال بانک مرکزی است. شاخص‌های مورد استفاده عبارتند از: gri شاخص گریلی و همکاران (۱۹۹۱)، cuk کوکرمن و همکاران (۱۹۹۲)، dum دومیتر (۲۰۰۹)، mat متیو (۲۰۰۶) و inf مقدار تورم بر اساس شاخص قیمت مصرف‌کننده است. منبع: یافته‌های پژوهش

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.26453355.1394.8.24.4.0]

شاخص‌های دومیتر (۲۰۰۹)، گریلی و همکاران (۱۹۹۱) و متیو (۲۰۰۶) در سال ۱۳۶۸ استقلال بانک مرکزی افزایش می‌یابد و بر اساس شاخص کوکرمن و همکاران (۱۹۹۲) مقدار استقلال کاهش می‌یابد. دلیل این امر بر برداشت متفاوت این شاخص‌ها از استقلال دلالت می‌کند. سه شاخص نخست بر این نکات که بر اساس برنامه‌های توسعه محدودیت‌هایی بر بدهی دولت به بانک مرکزی وضع شده است و از طرفی برای سیاست پولی اهداف کمی مشخص شده است تأکید بیشتری دارند، اما شاخص کوکرمن بیشتر بر کاهش استقلال بانک مرکزی در استفاضه از ابزارها و سایر اهداف پولی نظیر کمک به رشد اقتصادی و بنگاه‌های تولیدی تمرکز دارد.

از آنجایی که شاخص‌های دومیتر و متیو شفافیت بانک مرکزی را مکمل استقلال می‌دانند و در این شاخص‌ها گزاره‌هایی به منظور بررسی شفافیت بانک مرکزی تدوین شده است، اما شاخص‌های کوکرمن و گریلی نسبت به این عامل توجهی ندارند. بر اساس شاخص دومیتر و متیو در سال‌های ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ استقلال بانک مرکزی دستخوش تغییر می‌شود اما شاخص‌های کوکرمن و گریلی این تغییر را نشان نمی‌دهند.



شکل ۱. روند درجه استقلال بانک مرکزی و تورم در ایران. شاخص‌های مورد استفاده عبارتند از: gri شاخص گریلی و همکاران (۱۹۹۱)، cuk کوکرمن و همکاران (۱۹۹۲)، dum دومیتر (۲۰۰۹)، mat متیو (۲۰۰۶) و inf مقدار تورم بر اساس شاخص قیمت مصرف‌کننده است.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.26453355.1394.8.24.4.0]

با توجه در نمودار شماره ۱ مشخص است که در دوره‌های زمانی مختلف تورم حرکتی در خلاف جهت درجه استقلال بانک مرکزی داشته است. با توجه در نمودار قابل مشاهده است که در یک یا دو سال بعد از تغییر در درجه استقلال بانک مرکزی شاهد جهش تورمی در کشور بوده‌ایم. با بررسی داده‌های مربوط به حجم پول مشخص شده است که در دوره مورد بررسی بعد از شکست‌های مشخص شده در درجه استقلال بانک مرکزی حجم پول به شدت افزایش یافته است و همین امر منجر به افزایش سطح قیمت‌ها در جامعه شده است. نمودار نشان می‌دهد که به دنبال شکست در درجه استقلال روند تورم نیز تغییر می‌کند. به عنوان مثال در سال ۱۳۵۱ درجه استقلال دچار تغییر می‌شود متوسط رشد حجم پول از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۱ برابر ۱۰ درصد در سال بوده است و حداکثر مقدار آن در سال ۱۳۵۰ برابر ۲۱ درصد بوده در سال‌های ۱۳۵۱ و ۱۳۵۲ و ۱۳۵۳ به ترتیب به ۳۴، ۳۰ و ۵۱ درصد می‌رسد و به دنبال آن در سال‌های ۱۳۵۲ به بعد شاهد تغییر روند و افزایش تورم هستیم. یکی از دلایل این افزایش حجم پول تبعیت بانک مرکزی از مقام مالی و سازمان برنامه است. در سال ۱۳۵۲ بدهی دولت به بانک مرکزی ۳۳ درصد رشد می‌کند. لازم به ذکر است حکومت با توجه به افزایش یکباره درآمدهای نفتی در برنامه عمرانی تجدیدنظر می‌کند و دولت هزینه‌های خود را افزایش می‌کند، اما بانک مرکزی با توجه به سلطه مالی نمی‌تواند سیاست‌های پولی مناسب اتخاذ کند و با سیاست‌های مالی انبساطی همراهی می‌کند. لازم به ذکر است در این دوره و از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۶ چهار نفر رئیس بانک مرکزی بوده‌اند که نشان‌دهنده عدم ثبات در مدیریت پولی کشور است.

نقطه شکست بعدی سال ۱۳۶۲ و با تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا رخ می‌دهد. در قانون عملیات بانکی بدون ربا شرایط حاکم بر رئیس بانک مرکزی و شورای پول و اعتبار تغییر نمی‌کند، اما با توجه به اینکه سیاست‌گذاری پولی و ارزی در اختیار دولت قرار می‌گیرد و بانک مرکزی موظف به همراهی با سیاست‌های دولت می‌شود، استقلال بانک مرکزی کاهش می‌یابد. به همین دلیل میانگین تورم در این دوره نیز همانند دهه ۱۳۵۰ بالاست.

شکست بعدی در سال ۱۳۶۸ و همزمان با آغاز برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب رخ می‌دهد. در این سال با توجه به اینکه برای متغیرهای پولی اهداف کمی تعیین می‌شود شاخص‌های متیو (۲۰۰۶) و دومیتر (۲۰۰۹) افزایش در شاخص را نشان می‌دهند، اما از آنجایی که در سال‌های برنامه بانک مرکزی موظف به پیگیری اهداف پولی تعیین شده و همکاری با دولت می‌شود شاخص معرفی شده توسط کوکرمن و همکاران (۱۹۹۲)، کاهش در درجه استقلال را نشان می‌دهد. رویکرد تورمی در این دوره نیز حرکت متفاوتی با شاخص کوکرمن دارد. با توجه به این نکته می‌توان گفت صرف تعیین هدف برای متغیرهای پولی

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.26453355.1394.8.24.4.0]

منجر به افزایش درجه استقلال بانک مرکزی نمی‌شود. هدف‌گذاری زمانی منجر به افزایش استقلال می‌شود که بانک مرکزی مجاز باشد آزادانه اهداف تعیین شده را دنبال کند.

شکست بعدی سال ۱۳۸۶ است که پس از آن تورم روند صعودی به خود می‌گیرد. در این دوره به دلیل تغییر در میزان شفافیت بانک مرکزی درجه استقلال بانک مرکزی کاهش می‌یابد. این تغییر درجه استقلال توسط شاخص‌های متیو (۲۰۰۶) و دومیتر (۲۰۰۹) نشان داده شده است، زیرا این دو شاخص به شفافیت بانک مرکزی توجه دارند و شاخص‌های کوکرمن و همکاران و گریلی و همکاران نسبت به این موضوع بی‌توجه بوده‌اند. نکته قابل‌توجه دیگر درباره تورم این دوره این است که درست شبیه به سال ۱۳۵۱ دولت با توجه به افزایش درآمدهای نفتی اقدام به افزایش مخارج خود می‌کند و بانک مرکزی نیز تحت سلطه مالی سیاست‌های پولی انبساطی را به کار می‌گیرد به نحوی که پایه پولی و حجم پول به شدت افزایش می‌یابند.

۴ نتیجه‌گیری و پیشنهادها

ادبیات اقتصاد پولی از دهه ۱۹۷۰ بر اهمیت نقش استقلال بانک مرکزی در کنترل تورم و ایجاد ثبات در اقتصاد تأکید دارد. از اینرو در این پژوهش وضعیت استقلال بانک مرکزی ایران مورد بررسی قرار گرفته است. این پژوهش از سه جنبه رویکردی جدید نسبت به اندازه‌گیری بانک مرکزی داشته است. نخست، بیشتر مطالعات صورت گرفته با توجه به این فرض که قوانین پولی و بانکی کشورها به ندرت دستخوش تغییر می‌شوند و از اینرو یک مقدار برای دوره‌های زمانی مختلف در نظر می‌گیرند. این فرض برای کشورهای توسعه یافته مناسب است اما در کشورهای درحال توسعه این فرض چندان واقعی به نظر نمی‌رسد، یافته‌های پژوهش نیز این مطلب را تایید می‌کند. دوم، در پژوهش‌های صورت گرفته برای بررسی درجه استقلال بانک مرکزی تنها به قوانین پولی و بانکی رجوع می‌شود اما در این پژوهش با توجه به اهمیت سایر قوانین تأثیرگذار بر حوزه پولی و مالی نظیر قوانین برنامه توسعه، برای محاسبه درجه استقلال بانک مرکزی به این قوانین نیز توجه شده است. سوم اینکه در این پژوهش به منظور محاسبه درجه استقلال بانک مرکزی تنها به یک شاخص اکتفا نشده و از چهار شاخص معرفی شده استفاده شده است که هر کدام از این شاخص‌ها بر جنبه‌های متفاوت استقلال تمرکز بیشتری داشته‌اند. همان‌گونه که نتایج پژوهش مشخص نمود هر کدام از شاخص‌ها مقادیر متفاوتی را برای سال‌های مختلف به دست داده‌اند، هرچند که روند تقریباً مشابهی برای استقلال ترسیم نموده‌اند.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.26453355.1394.8.24.4.0]

نتایج پژوهش نشان می‌دهد بعد از هر بار تغییر در روند درجه استقلال بانک مرکزی اقتصاد با جهش تورمی مواجه شده است و این مسئله بر اهمیت ثبات قوانین پولی و بانکی کشور تأکید دارد.

قوانین توسعه کشور، به خصوص قوانین توسعه بعد از انقلاب، بر استقلال بانک مرکزی تأثیرگذار بوده‌اند. بنابراین لازم است در تدوین برنامه‌های توسعه به قانون پولی و بانکی کشور توجه شود. هرچند که به منظور توسعه کشور هماهنگی بین سیاست‌های پولی و مالی لازم است اما به نظر می‌رسد قوانین توسعه در این زمینه افراط داشته‌اند. به عنوان مثال در قوانین توسعه مقدار اعتبارات تخصیص داده شده به هر بخش اقتصادی از قبل مشخص می‌شود. بنابراین پیشنهاد می‌شود در این برنامه‌ها اهداف کلی برای بانک مرکزی ترسیم شود و نحوه عملکرد در دست‌یابی به اهداف به خود بانک واگذار شود.

شرایط حاکم بر رئیس بانک مرکزی و شورای پول و اعتبار نیز از دیگر مواردی است که باید مورد توجه قرار گیرد. برای هماهنگی بین سیاست‌های پولی و بانکی لازم است که نمایندگانی از دولت در شورای پول و اعتبار حضور داشته باشند اما ترکیب اعضای شورای پول و اعتبار نباید به گونه‌ای باشد که اکثریت اعضا را دولت تعیین کند یا وابسته به دولت باشند. نکته قابل‌توجه دیگر نحوه انتخاب رئیس‌کل بانک مرکزی است. ویژگی‌ها و صلاحیت‌های لازم برای تصدی ریاست بانک مرکزی نیز یکی از موارد مهم در این زمینه است که تاکنون مورد توجه قرار نگرفته بودند. اما مجلس تشخیص مصلحت نظام در مصوبه آبان ماه ۱۳۹۳ به این نکته توجه نموده است. در این مصوبه آمده است که رئیس بانک مرکزی باید مدرک دکترا در یکی از رشته‌های اقتصادی یا گرایش‌های پولی و مالی و داشتن ۷ سال تجربه کاری در سطوح سیاست‌گذاری و مدیریتی در حوزه‌های اقتصادی، پولی و مالی و یا ۵ سال تجربه مدیریتی در حوزه‌های تخصصی بانک مرکزی داشته باشد. نکته مهم دیگری که در این مصوبه مورد توجه قرار گرفته است شرایط عزل رئیس بانک مرکزی است. بر طبق این مصوبه، از دست دادن یک یا چند شرط از شرایط احراز منصب و عدم توانایی یا کوتاهی در انجام وظایف قانونی و تحقق اهداف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران باعث عزل رئیس‌کل بانک مرکزی خواهد شد. عزل رئیس بانک مرکزی به پیشنهاد رئیس‌جمهور و رأی دوسوم اعضای هیات وزیران صورت می‌گیرد، لازم به ذکر است که رئیس بانک مرکزی می‌تواند در هیات وزیران از خود دفاع کند.

در جدول شماره ۴ برخی پیشنهادهای ارائه شده جهت بهبود درجه استقلال بانک مرکزی ایران ارائه شده است. لازم به ذکر است که این پیشنهادها با توجه ادبیات نظری

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.26453355.1394.8.24.4.0]

استقلال و گزاره‌های شاخص‌های محاسبه درجه استقلال بانک مرکزی مورد استفاده در این مطالعه و نتایج حاصل از بررسی وضعیت استقلال بانک مرکزی ارائه شده‌اند.

جدول ۴

پیشنهادهای ارائه شده جهت بهبود استقلال بانک مرکزی در ایران

ردیف	توضیح
۱	آسیب‌پذیری سیاسی برای رئیس بانک مرکزی وجود نداشته باشد. (تا ۶ ماه بعد از تغییرات سیاسی تغییر نکند)
۲	طول دوره فعالیت اعضای شورای پول و اعتبار بیشتر از ۵ سال و متناوب باشد.
۳	دولت بیش از نیمی از اعضای شورای پول و اعتبار را تعیین نکند.
۴	بانک مرکزی به تنهایی ابزارهای سیاست پولی برای رسیدن به اهداف را تعیین کند.
۵	نرخ بهره به وسیله بانک مرکزی مشخص و مدیریت شود.
۶	وام دادن بانک مرکزی به دولت مجاز باشد ولی با محدودیت‌های شدید همراه باشد (مثلاً حداکثر ۱۰ درصد درآمدهای دولت)
۷	سررسید وام‌های پرداختی به دولت حداکثر شش ماه باشد.
۸	بانک مرکزی تنها در نرخ بهره بازار یا بالاتر از آن مجاز باشد به دولت وام بدهد.
۹	بانک مرکزی از حضور در بازارهای اولیه به منظور خرید اوراق قرضه دولتی منع شود.
۱۰	بانک مقادیر کمی برای اهداف داشته باشد.
۱۱	بانک مرکزی باید داده‌های مربوط به متغیرهای مرتبط با سیاست پولی نظیر عرضه پول، تورم، بیکاری و ظرفیت‌های مورد استفاده قرارگرفته شده منتشر کند.
۱۲	بانک مرکزی پیش‌بینی‌های مربوط به مقادیر تورم و تولید را برای دوره‌های میان‌مدت با مشخص شدن ابزارهای سیاستی به صورت فصلی منتشر کند.
۱۳	بانک مرکزی به طور منظم از برآیند متغیرهای هدف اقتصاد کلان ارزیابی انجام دهد و ارزیابی‌های صورت گرفته را منتشر کند.
۱۴	بانک مرکزی برای تصمیماتی که اتخاذ می‌کند توضیح دهد و چشم‌انداز آتی را نیز ترسیم کند.

یادداشت. منبع: تحلیل نویسندگان

لازم به ذکر است استقلال بانک مرکزی زمانی عملی می‌شود که دولت به آن اعتقاد داشته باشد و به آن احترام بگذارد. بهترین قوانین موجود بدون اراده دولت برای احترام به استقلال بانک مرکزی نمی‌توانند تضمین‌کننده استقلال باشند. اعتقاد دولت به استقلال بانک مرکزی نیز از طریق انضباط مالی دولت و کاهش سیاست‌های منفعت‌طلبانه از طریق کسری بودجه و استقراض از بانک مرکزی تحقق می‌یابد.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.26453355.1394.8.24.4.0]

فهرست منابع

جعفری صمیمی، احمد و احمدی، نوشین (۱۳۸۱). استقلال بانک مرکزی و عملکرد اقتصاد کلان در کشورهای درحال توسعه (از جمله ایران): یک تحلیل تجربی (۱۹۹۰-۱۹۹۸). *پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی*، ۴ (۱)، ۱۱۳-۱۳۲.

رحمانی، تیمور و صادق زاده، محمدامین (۱۳۸۹). تأثیر استقلال بانک مرکزی بر ثبات اقتصادی. *فصلنامه پول و اقتصاد*، ۶، ۲۱۳-۲۳۴.

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۷۳). *سند برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۸-۱۳۷۴*. تهران: انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۷۸). *سند برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۳-۱۳۷۹*. تهران: انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۸۳). *سند برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۸-۱۳۸۴*. تهران: انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور. (۱۳۶۹). *قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.

عادلی، سید محمدحسین (۱۳۶۹). درآمدی بر بحث استقلال بانک مرکزی. *مجله روند*، ۲، ۱۱-۳۷.

فرجی، یوسف و میر سعید قاضی، محمدابراهیم (۱۳۸۴). *تأثیر استقلال بانک مرکزی برکارایی سیاست پولی*. مجموعه مقالات شانزدهمین همایش بانکداری بدون ربا. ۳۱۷-۳۷۳.

Alesina, A. (1988). *Macroeconomics and Politics*. NBER Macroeconomics Annual, Cambridge, MIT Press, 13-62.

Alesina, A., Grilli, V. (1992). *The European Central Bank: Reshaping Monetary Policy in Europe*. Cambridge University Press.

Alesina, A., Summers, L. H. (1993). Central Bank Independence and Macroeconomic Performance: Some Comparative Evidence. *Journal of Money, Credit and Banking*, 25, 157-162.

Barro, R.J., Gordon, D. (1983). Rules, Discretion, and Reputation in Positive Model of Monetary Policy. *Journal of Monetary Economics*, 12, 101-121.

Core, C & Meade, E.E. (2008). *Central Bank Independence and Transparency: Evolution and Effectiveness*. IMF Working Paper, No. 08/119.

Cukierman, A. (2006). *Central Bank Independence and Monetary Policy Making Institutions: Past, Present, and Future*. Central Bank of Chile, Working Paper NO. 360.

Cukierman, A., Webb, S. B. (1995). Political Influence on the Central Bank: International Evidence, *The World Bank Economic Review*, 9, 397-423.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.26453355.1394.8.24.4.0]

Cukierman, A., Webb, S. B., & Neyapti, B. (1992).Measuring the Independence of Central Banks and Its Effect on Policy Outcomes. *The World Bank Economic Review*, 6, 353-98.

De Haan, J., Kooi, W. (1997), What Really Matters: Conservativeness or Independence?. *Banca Nazionale del Lavoro Quarterly Review*, 200, 23-38.

Dumiter, F.C. (2009).Measuring Central Bank Independence and Inflation Targeting in Developed and Developing Countries. *Timisoara Journal of Economics*, 2(6), 83 – 100.

Grilli, V., Masciardano, D., & Tabellini, G. (1991). Political and Monetary Institutions and Public Financial Policies in the Industrial Countries. *Economic Policy*, 13, 341-392.

Jafari Samimi, A. (2001). Corruption and Central Bank Independence: Evidence from Developing Countries. *The International Journal of Humanities*, 8(4), 13-24.

Kydland, F.E., Prescott, E.C. (1977). Rules Rather than Discretion: the Inconsistency of Optimal Plans. *The Journal of Political Economy*, 85, 473-492.

Loungani, K.P., Sheets, N. (1997). Central Bank Independence, Inflation, and Growth in Transition Economies, *Journal of Money, Credit, and Banking*, 29, 381-399.

Mathew, J.J. (2006). *Measuring Central Bank Independence in Twenty- Five Countries: A New Index of Institutional Quality*. 8th Annual Conference on Money and Finance in Indian Economy.

Rogoff, K. (1985). *The Optimal Degree of Commitment to an Intermediate Monetary Target*. Quarterly Journal of Economics, 100, 1169-1189.

Zervoyianni, A., Anastasiou, A., & Anastasiou, A. (2012). *Does Central Bank Independence Really Matter? Re-assessing the Role of the Independence of Monetary Policy Makers in Macroeconomic Outcomes* (Working Paper, No WP 13-03). The Rimini Center for Economic Analysis.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.26453355.1394.8.24.4.0]